



دین ابراهیم و فلسفه اجتماعی اسلام

«۲»

نتیجه پیروی از دستورهای دینی سعادت و خوشبختی است که به بهشت تاویل میگردد؛ نافرمانی از آن ستمگری است که انسان بخود میکند که خواسته شیطان است، آدمی را بایکدیگر دشمن میسازد و رستگاری را از میان میبرد. چون خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است توبه آنان را میپذیرد و برای نجات مردم، راهنمایانی انتخاب میکند که پیغمبران را تشکیل میدهند. هر کس از ایشان پیروی کند، ترس و اندوهی بر او نیست و رستگار است، هر کس نافرمانی کند عقاب بیند و در آتش زشتی رفتار خویش بسوزد.

مهربانی و لطف خدا ایجاب میکند تا راهنمایانی برای هدایت بشر برگزیند که بعد از آن تحت عنوان «نبی» و «رسول» در قرآن نامبرده شده اند و آخرین آنان حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پیغمبر اسلام است. قرآن تنها دو وظیفه برای پیغمبران قائل است، یکی اینکه نیکوکاران را «مژده دهند» و امیدوار سازند، و دیگر اینکه بدکاران را «بترسانند». مژده و بیم دو تکلیف اساسی پیغمبران است:

«ما نفرستاده ایم تو را مگر اینکه مژده دهی و بیم کنی^۱. پاک و مقدس است خدائی که قرآن را بر بنده خود نازل فرمود تا (بوسیله آن) مردم جهان را بیم دهد»^۲.

«قرآن را بزبان تو آسان کردیم تا مژده دهی بآن پرهیزکاران را و

* آقای دکتر منوچهر خدایار محیی استاذ دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

۱ - سوره الفرقان ۵۶: ۲۵؛ و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً.

۲ - همان سوره ۱: ۲۵؛ تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً.

بیم دهی بآن معاندان لجوج را»^۱

امید برحمت خدا وترس از مجازات که توسط پیغمبران اعلام میگردد اصل سومی بوجود می‌آورد که «روز پاداش» نام دارد. درحقیقت پیغمبران مردم را دعوت میکنند که بخدای واحد و روز جزا ایمان آورند، در نتیجه نیکوکاری راپیشه خود سازند تا رستگار شوند، اینست که قرآن تعلیم میدهد:

«آنانکه ایمان آوردند و آنانکه یهودی شدند و ترسایان و صابئین هرکه بخدا و روز بازپسین ایمان آورد و نیکوکار باشد مزدشان نزد پروردگارشان است ، خوفی برایشان نیست و اندوهناک نگردند»^۲

توحید توجه بخدای یکتا و روی گرداندن از جز اوست که در افراد مردم تجانس ایجاد میکند تا همگی در اتصال بمبدء و ارتباط با دستگاه آفرینش خود را با یکدیگر شریک بدانند، در نتیجه چنین مشارکتی دارای ایمان واحد گردند که هدف اصلی اسلام است. ایمان اسلامی، انسان را وادار به نیکوکاری میکند و از ستمگری باز میدارد.

پیغمبر اسلام هم رستگاری را در پرستش خدای واحد میداند و وحدت و اتفاق کلمه را اولین شعار اجتماعی اسلام میشناسد تا میان مردمان پراکنده ایکه قرون متمادی هیچگونه موافقتی نداشتند موافقت ایجاد کند.

پیغمبر اسلام پرستش اشیاء و انسان را که ساخته افکار مردم است متروک گردانید و خداپرستی را بشکل واحدی معمول کرد. آیات قرآن مکرر مردم را بستایش خدای واحد دعوت میکند و توحید را زیربنای تربیت اجتماعی و متحدالشکل ساختن افکار مردم قرار میدهد ، شرک و بت پرستی را پایه نفاق اجتماعی میداند :

«همگی برشته خدا متصل شوید و پراکنده نگردید، نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید ، چون دشمن بودید میان دلهاتان را الفت داد پس بنعمت او برادر شدید ، برکنار مفاکی از آتش بودید شما را از آن رهانید. خدا چنین آیات خویش را برای شما بیان میکند شاید که راه یابید»^۳

اعتقاد بخدای واحد بطریقی که مورد نظر قرآن است مردم را استقلال میدهد و از بندگی باز میدارد، در ازمیان بردن اختلاف طبقاتی تأثیر دارد زیرا مردم را متوجه میسازد که همه در مقابل خداوند دارای حقوقی مساوی هستند. خدا کلیه بندگان خود را یکسان دوست دارد. چون مردم دارای چنین عقیده‌ای شوند، برتری طبقاتی و نفاق اجتماعی از میان میرود، جامعه‌ای متحد بوجود می‌آید که درباره آن در قرآن میفرماید:

«سست نشوید و اندوهگین نگردید شما اگر دارای ایمان باشید

۱- سوره مریم ۹۷/۱۹ : فانما یسرناء بلسانك لتبشره بالمتقین و تنذره قوماً لذا .

۲- سوره البقره ۶۲/۲ : ان الذین امنوا و الذین هادوا و النصارى و الصابئین من امن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا یحزنون .

۳- سوره آل عمران ۱۰۳/۳ : و اعصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذا لک بین الله لکم آیات لعلکم تهتدون .

برترید^۱

«آیا پرستش خدایان متعدد بهتر است یا خدای واحد قهار»^۲

اشاره باینست که پرستش دیگران، چه انسان و چه اشیاء که خود آفریده و ساخته خداوند یکتا میباشند علاوه بر اینکه سودی دربر ندارد اوضاع اجتماعی را برهم میزند. میان افراد جامعه کینه و دشمنی تولید میکند. قرآن به پیغمبر اسلام اعلام میکند:

«آنانکه دین خود را بشعبی چند تقسیم میکنند و هر یک دسته‌ای میسازند و نامی برای خود قرار میدهند از تو ای پیغمبر بهره‌ای ندارند و تو از ایشان نیستی»^۳

«ای کسانی که ایمان آوردید جملگی بعالم اسلام وارد شوید و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است»^۴

بنابراین نتیجه توحید وارد شدن در صلح و ایجاد وحدت اجتماعی است. منظور از راه شیطان، طریق غیر الهی و پیروی از نفاق و دشمنی با وحدت اجتماعی و ایجاد اختلاف در میان مردم است.

باین ترتیب «نبوت» وسیله‌ایست که میان ایمان و نیکوکاری رابطه ایجاد مینماید و انواع مختلف نیکی را بیان میکند، در نتیجه مردم را «مومن» و «نیکوکار» میسازد.

معاد نتیجه رفتار انسان است. یعنی: پندار و گفتار و کردار آدمی در جهان بهبوده نیست و همه چیز را حسابی در کار است و هر کس پاداش رفتار خود را بدست می‌آورد. باین ترتیب «نبوت» و «معاد» در اصل اول «توحید» نهفته است. توحید بنیاد عقیده اسلام را تشکیل میدهد. بهمین جهت وقتی پیغمبر اسلام میگوید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» - بگوئید خدائی جز «الله» نیست و رستگار شوید - «مفهوم آن اینست که همه مردم چون دارای ایمان واحد شوند در میان ایشان تجانسی ایمانی ایجاد میگردد، سود و زیان دیگری را سود و زیان خویششان می‌شمرند و نیکوکاری پیشه میسازند و نتیجه نیکوکاری رستگاریست».

مرحله اول نیکوکاری ایمان و عقیده باصل دیانت اسلام است که نتیجه آن برقراری ایمان و نیکوکرداری بر بنیاد توکل و تسلیم بخدای واحد است. یعنی: اسلام.

اسلام برای نیکوکار ساختن مردم و سائلی برقرار کرده است که فروع دین نام دارد؛ نظیر: نماز، روزه، حج، خمس، زکوة و ...

ایجاد تجانس و هم‌بستگی و خودیاری از اصول دیانت اسلام است، فروع احکام بر اموری استوار است که اصول مذکور را ایجاد میکند، توحید الهی را به توحید اجتماعی

۱- سوره آل عمران ۱۳۹: ۳ : ولا تهنوا ولا تحزنوا و اتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .

۲- سوره یوسف ۴۰: ۱۲ : ا ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار .

۳- سوره الانعام ۱۶۱: ۱۶ : ان الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعاً لست منهم فی شی .

۴- سوره بقره ۲۰۴: ۲ : یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم

عدو مبین .

گسترش میدهد، هم آهنگی و احساس مشترك مادی و معنوی در میان مردم برقرار میسازد.

نماز عبارت است از يك رشته پندار و گفتار و کرداری که اصول اجتماعی نیکوکاری را در وجدان انسان بیدار میسازد و با تلقین مخصوصی نیکی را رواج میدهد. اگر نماز گزار شرائط و مقررات خواندن نماز را در نظر بگیرد و بدان رفتار کند نمیتواند شخصی ستمگر و بدکار باشد، زیرا پیغمبر اسلام فرموده است «نماز انسان را از کار زشت باز میدارد»^۱، بهمین جهت گفته اند: اگر نماز پذیرفته شود سایر تکالیف دینی نیز مقبول الهی قرار میگیرد^۲. طبق مندرجات قرآن، نماز خواندن امری نیکو است و بدیها را از میان می برد^۳. در حدیث نیز مانند قرآن «نیکیها بدکارها را از میان میبرد»^۴

نماز یکی از شئون مهم اسلام است که دارای شکل اجتماعی است. برای ایجاد وحدت و الفت در میان مسلمین، نماز جماعت توصیه شده است، از نظر هدف اجتماعی میتوان مساجد را به سه گروه بزرگ تقسیم کرد: مساجد محلی - مساجد جمعه - مسجد الحرام. هنگام نمازهای یومیه اهالی هر بخش در مکانی بنام مسجد گرد یکدیگر جمع می شوند و درباره مشکلات زندگی و حوادث جاری و اجتماعی مشورت می کنند. با امامی واحد نماز می خوانند، همه باهم تکبیر میگویند، رکوع و سجود بجا می آورند، در سلام نماز به پیغمبر و آل او درود میفرستند و بندگان نیکوکار خدا را دعا می کنند. این همکاری و هم آهنگی، وجه تشابه میان مؤمنین ایجاد می کند و آنان را متشکل میسازد، یکدیگر را از خود میدانند و بهم نوعان خود کمک می کنند، باین وسیله نمازهای یومیه موجب اتحاد و اتفاق مردم نواحی مختلف میگردد و در هر بخشی سازمانهای مختلف اجتماعی تشکیل میگردد.

در هفته، یکبار، در روز جمعه مردم نواحی مختلف يك شهر دور هم جمع می شوند و نماز جمعه بجا می آورند. روابطی که در قلمرو نواحی مختلف محدود است تبدیل به اتحاد شهری میگردد و هر شهری در هفته یکبار وسائل جمع آوری مردم را فراهم می کند و آنان را بیکدیگر نزدیک میسازد.

هر سال یکبار مردم ملل و شهرهای مختلف بلاد اسلامی در مسجد الحرام یکدیگر را ملاقات می کنند و رفتاری را انجام میدهند که در دیانت اسلام «حج» نام دارد. چون انجام حج برای کلیه مردم ممکن نیست، هر کس استطاعت دارد حداقل یکبار در مدت زندگی در ماه ذیحجه در مکه حضور می یابد و اعمال حج را انجام میدهد.

حج مهمترین وسیله ایست که موجب اتحاد و هم آهنگی مسلمین جهان میشود و ملل گوناگون و پراکنده گیتی را در رفتاری معین هم رنگ و هم آهنگ میسازد. لباس متحدالشکل و رفتار یکنواخت، وجه تشابه ایجاد میکند و مردم قاره های مختلف جهان

۱- ان السلوۃ تنهی عن الفحشاء والنکر .

۲- فان قبلت ، قبلت ماسواء .

۳- سوره هود ر ۱۱۵ .

۴- ان الحسنات یذهبن السیئات .

را دريك ردیف قرار میدهد ، عرب و ترك و سفید و سیاه را يك لباس می‌پوشاند و یکی را بادیگری نزدیک میسازد .

قبل از اسلام مکه مرکز بازرگانی عربستان بشمار میرفت . چون لازم بود کلیه قبائل عرب باشهر مکه ارتباط داشته باشند بت پرستی رایج گشت ، هر قبیله بتی در مکه داشت و سالی یکبار زیارت آن میرفت ، در نتیجه مردم عربستان همگی به مکه توجه داشتند و آنرا قبله گاه خود میدانستند .

اسلام نیز مکه را قبله مسلمین گردانید ، بت های قبائل مختلف را به خدای واحد تبدیل کرد ، در نتیجه تحت عنوان توحید و اسلام میان قبائل عرب ایجاد وحدت کرد ، بت سازی و بت پرستی را از میان برد و موقعیت اجتماعی مکه را مانند گذشته بوسیله اعمال حج محفوظ داشت .

مسافرت به مکه و انجام اعمال حج وسیله ایست که جنبه های توحید اجتماعی نماز را تکمیل میکند و موجب ایجاد و تجانس میان مردم جهان میگردد زیرا شرائطی بر آن مقرر است که تجانس بین المللی برقرار میسازد و انسان را از نفاق در میان اقوام مختلف جهان و نژادهای گوناگون باز میدارد .

«زمان حج ماههای معین است ، هر کس استطاعت یافت و حج بر او واجب گردید که انجام دهد باید از نزدیکی با زنان و جنک و جدال و کشمکش با مردم و دروغ گفتن و سوگند یاد نمودن و نزاع کردن در حج خودداری کند و آنچه نیکی کند خداوند آنرا میداند و برای او ذخیره مینماید. برای خود زاد و توشه تهیه کنید که بهترین توشه ها تقوی و پرهیزکاری است»^۲

در آیه مذکور «نیکوکاری» و «پرهیزکاری» دو یک معنی بکار رفته است و شخص نیکوکار متقی و پرهیزکار نیز می باشد ، در حقیقت تقوی ، مقدمه نیکوکاری است زیرا تقوا ، پرهیز از بدکاری است و پرهیز از ستمگری «نیکوکاری» محسوب میگردد ، بهمین جهت نماز و حج و سایر فروع احکام در اسلام بنیاد نیکوکاری و تقوی بشمار میرود .

روزه گرفتن در اسلام نیز میان ثروتمندان و سایر طبقات ایجاد ارتباط میکند و همدردی اجتماعی برقرار میسازد ، از طرفی موجب آزادی بردگان و کمک به بیچارگان است و مانع افزایش فاصله ثروت و شئون طبقات اجتماعی در میان مردم میشود و در نتیجه به گسترش مساوات و برابری در جامعه اسلامی کمک میکند .

مسلمان باید در پندار و گفتار و کردار ، نیکی پیشه سازد و رفتار خود را بانیت و آگاهی

۱- سوره حج ۲۹/۲۲ - ۳۰ : و اذن فی الناس بالحج ... ليشهدوا منافع لهم ...
۲- سوره بقره ۱۹۷/۲ : الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهن الحج فلارفت ولاسوق ولاجدال فی الحج و ما تفضلوا من خیر یعلمه الله و ترودوا فان خیر الزاد التقوی و اتقون یا اولی الالباب .

انجام دهد زیرا در اسلام بدون قصد و تصمیم دراندیشه ، نیکی کردن مفهومی ندارد . نیکی هنگامی ارزش دارد که آدمی در رفتار خویش دارای تصمیم باشد نه اینکه بر حسب تصادف کار نیکی انجام دهد ، بهمین جهت احکام و تکالیف اسلامی نظیر : نماز - روزه و حج و غیره همه باید همواره بانیت و قصد و آگاهی همراه باشد و مسلمان نباید بدون تحقیق و آگاهی کاری انجام دهد .

دنبال چیزی که نمیدانی مرو ، موضوعی که بدان علم و دانش نداری در پی آن مباش تا علم و دانش یابی ، زیرا گوش و چشم و دل برای تحقیق است و هر یک در کار خود مسئولیتی دارد^۱

در حدیث است که هر کدام از شما نسبت بوضعیت اجتماعی خود ، مدیر یا ناظر و نگهبان و حافظ و نگهدار شئونی است که در اختیار اوست و هر کس دارای چنین موقعیتی است و نسبت بآنچه در تحت حمایت و منظور اوست و اداره میکند ، مسئولیت دارد^۲ .

بنابراین همه در مقابل یکدیگر مسئول میباشند و لازم است بحدود و وظایف خویش آشنا باشند ، گروهی که مایلند در امری دارای همکاری اجتماعی باشند اگر حدود خود را شناسند مسئولیت در میان آنان مفهومی ندارد و از کار خود نمی‌توانند بهره‌ای بگیرند . احساس مسئولیت در میان هر یک از افراد ، امر مهمی است که پایه و بنیاد روابط اجتماعی است ، بنابراین در اسلام ، گام اول احساس مسئولیت در مردم و همکاری اجتماعی است .

در اسلام اقتصاد بنیاد ایمان است. در حدیث است که «آنها که زندگی نیست روز حساب نمی‌باشد»^۳ بهمین جهت در اسلام ، بهبود زندگی مردم از طریق تعدیل ثروت و از میان بردن غنی و فقیر پیش‌بینی شده است و یکی از امور نیک «انفاق» است . انفاق دادن و بمصرف رسانیدن برای مردم است ، آنچه را که انسان دارد و نزد اوست ، خواه ثروت باشد یا چیزی دیگر :

«از تو می‌پرسند چه «انفاق» کنیم ما ، بگو: بهترین اموال و نیکوترین عواطف را انفاق کنید (در اختیار مردم دیگر رهنید) ، نخست در حق والدین و خویشان و ایتم و بینوایان و رهگذران غریب و راه‌گم‌کردگان ، که آنچه نیکوئی کنید برای خود ذخیره کرده‌اید . محقق بدانید که خداوند بکارهای شما دانا و بیناست»^۴

فکر بهتر زیستن کنید و برای آسایش دنیا و آخرت خود انفاق‌نمائید.

۱- سورة الاسراء ۱۷، ۳۶ : ولاتقف ماليس لك به علم ان السع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مشولا .

۲- كللوا راع فكل راع مشول عن رعيته ...

۳- من لامعاش له لامعاد له .

سوره بقره ۲۱۵، ۲ : يسلونك ماذا ينفقون قل ما انفقتم من خير فلولوالدين والاقربين و اليتامى و الساكين وابن السبيل و ما تفضلوا من خير فان الله به طيب .

از تو می پرسند با یتیمان چگونه معاشرت نمایند ؟ بگو :

حال آنها را اصلاح کنید ، و مال آنها را محافظت نمائید که حفظ مال آنها بهتر از اجتناب است ، مبدا تضييع شود ، آنها برادران شما هستند . در محافظت و آمیزش با آنان مال ایشان را ضایع نکنید و حال آنها را بحسن معاشرت و تربیت نیکو اصلاح نمائید ، خداوند مفسد را از مصلح می شناسد^۱

آنانکه اموال خود را در راه خدا انفاق مینمایند و دنبال آن منت نمیگذارند و آزار نمیرسانند ، برای آنان پاداش و اجری بیشمار نزد پروردگار است .

اینان در روز حساب ترس و اندوهی نخواهند داشت . گفتار نیکو و گذشت از ناملایمات بهتر از صدقه ایست که دنبال آن اذیت و آزار باشد .

نیکوکاری توأم با اذیت و منت نهادن مقبول درگاه خداوند نیست^۲

« خدا امر میکند شمارا که امانات مردم را بصاحبانش رد کنید و چون بقضا برخاستید به عدالت حکم کنید ، هر کجا بقضا و حکمیت انتخاب شدید بعدالت حکومت کنید . پروردگار شما را به نیکوئی پند میدهد و بهمه چیز شنوا و بیناست^۳»

« حق خویشان و بیچارگان و درماندگان را بدهید ، این بهترین کاریک است برای آنانکه مشتاق پروردگار خود میباشند و اینان رستگارند^۴»

« از مال خود در راه خدا انفاق و بخشش کنید و خود را بدست خویشان بخطر نیندازید و نیکی کنید ، خدا نیکوکاران را دوست دارد^۵»

نیکوکاران را خدا دوست میدارد^۶

طبق مندرجات قرآن ، مردم نیکوکار باید بخدا و روز جزا ایمان داشته باشند . مردم را به نیکوکاری (امر بمعروف) دعوت کنند و از رفتار ناروا (نهی از منکر) باز دارند و

۱- همان سوره ۲۲۰:۲ : فی الدنيا والاخره ویتلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیروان تخالطوهم فاحوانکم والله یعلم المفسد من المصلح ولو شاء الله لاعتکم ان الله عزیز حکیم .

۲- سوره بقره ۲۶۴:۲ - ۲۶۳ ، همچنین نظیر این آیات : ۲۶۸ - ۲۶۵ - ۲۷۲ - ۲۸۸ - ۲۸۰ یا سوره آل عمران ۱۳۵:۳ .

۳- سوره النساء ۵۸:۴ : ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نما یظکم به ان الله کان سمیماً بصیراً .

۴- سوره روم ۳۸:۳۰ فات ذا القربى حقہ والمسکین و این السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجه الله واولئک هم المفلحون .

۵ - سوره بقره ۱۹۵:۲ : وانفقوا فی سبیل الله ولا تلتقوا بایدیکم الی التهلکه واحسنوا ان الله یحب المحسنین .

۶- سوره بقره ۱۹۶:۲ ؛ سوره نجم ۳۲:۵۳ ؛ آل عمران ۱۴۴:۳ ؛ سوره صافات ۱۳۲:۳۷ - ۸۱ ؛ سوره

مائده ۴۹-۱۴ ؛ سوره اعراف ۵۷ ؛ سوره توبه یا براءت ۱۲۱ .

در کارهای نیک پیشقدم باشند»^۱

هیچگاه در تشویق مردم به نیکوکاری، خود را فراموش نکنند^۲ ارشاد دیگران را نسبت بخویش با خوشروئی بپذیرند و در این مورد تعاون و همکاری متقابل داشته باشند و دعای آنان این باشد که خداوند آنان را بانیوکاران محشور و مربوط سازد^۳

نتیجه نیکوکاری شامل حال شخص نیکوکار است. چنانکه قرآن بیان میکند:
«اگر نیکوئی کنید بخود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید باز بخود نموده‌اید»^۴

چنانکه در قرآن مذکور است ؛ لقمان پسر خود را به نیکوکاری چنین پند میدهد :

- ۱- ای پسرم بخدا شرك میاور، شرك بخدا ستمی بزرگه است .
- ۲- خدا و پدر و مادر خویش را سپاسگذار
- ۳- اگر پدر و مادر کوشش کنند تو را مشرك سازند اطاعت مکن و آنچه درباره خدا علم نداری انجام مده .
- ۴- نماز بخوان؛ امر به نیکی کن ، از زشتی مردم را بازدار ، بر آنچه بتو میرسد شکیبا باش .

۵- برای مردم سربخاک مگذار و از آنها به تکبر و غرور روی برمگردان . از روی نخوت و خودستائی روی زمین حرکت مکن که این کار جاهلان و نابخردان است . خدا مردم خودبین و خودستا و مردمی که دارای تکبرند و خود را برتر و بالاتر از همه میدانند دوست نمیدارد .

۶- در راه رفتن میانه رو باش، بلندگو و بدگو وسخت گیر مباش، زیرا بدترین صداها صدای الاغ است»^۵

در جای دیگر از قرآن؛ خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفته است که :

- ۱- جز خدای یگانه نپرستند
- ۲- نماز بخوانند و زکوة بدهند
- ۳- پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بیچارگان نیکی نمایند
- ۴- بامردم نیکو سخن گویند^۶

در قرآن خردمندان نیکوکارند، زیرا پاک و پلید باهم یکسان نیستند^۷ ستمکاری در نتیجه جهل و نادانی است . خردمندان چون بامردم نادان برابر نیستند دارای امتیاز میباشند :

خردمندان کسانی هستند که بعهد خود وفا میکنند و پیمان شکنی نمیکنند و بعهدی که با خدا دارند وفادار میمانند و نیز آن کسانی

۱- سوره آل عمران ۱۱۵ ؛ سوره لقمان ۶-۴ ؛ سوره احزاب ۳۶-۳۳ ؛ سوره نساء ۱۲۶ .
۲- سوره بقره ۵۲۲ .
۳- سوره آل عمران ۱۱۵-۱۹۴ ؛ سوره مائده ۸۵
۴- سوره الاسراء ۸۱۷ .
۵- سوره لقمان ۲۰-۱۴ .
۶- سوره البقره ۸۴-۲ .
۷- سوره مائده ۱۰۱ .

هستند که نماز میخوانند و زکوة میدهند ... و با آنان که فرموده پیوند دوستی نمایند صله و پیوند میکنند و از خدا میترسند و از بدی حساب هراسانند و کسانی که اطاعت پیغمبر را باطاعت خدا مربوط میسازند ، و آن کسانی هستند که بردباری و تحمل و شکیبائی می نمایند تا رضای خدا را بپا دارند و از آنچه نصیب و روزی آنها شده در راه خدا انفاق می کنند و در مقابل بدی های دیگران نیکی می کنند . برای این مردم خردمند عاقبت نیکوئی است^۱

در دین اسلام «نیکوکاری» به تنهایی کافی نیست بلکه باید با نیت و ایمان همراه باشد. انسان باید در درون خویش هدف و مقصد نیکوکاری را احساس کند و به اندیشه و گفتار و کردار خود ایمان داشته باشد .

به همین جهت در قرآن همواره «ایمان و عمل صالح» یکی با دیگری همراه است^۲ نیکوکاری بدون ایمان نتیجه ندارد و پایدار نمی باشد . ایمان به تنهایی بدون کردار برای رستگاری کافی نیست . چنانکه در قرآن آشکار است ایمان باید با نیکوکاری همراه باشد . نیکوکاری شرط اساسی مسلمانی است و بقدری اهمیت دارد که همه جا در قرآن ایمان پایه نیکوکاری است و بنیاد اهلیت و بستگی در اسلام است. رابطه با اسلام از طریق نسبت با قوم و طائفه ای مخصوص نیست و شامل نژادی معین نمی باشد بلکه از طریق داشتن رفتار نیک است. در سوره هود (۵۱-۲۸) آنجا که داستان طوفان نوح مذکور است : نوح کشتی میسازد و پیروان خویش را سوار کشتی میکند ، به پسرش میگوید : ای فرزندم با ما سوار شو و با کافران مباش ، پسرش فرمان نمی برد و سوار نمی شود و در امواج طوفان آب غرق میشود . نوح پروردگار خود را میخواند و میگوید : پروردگارا ، پسر من از کسان من است ، خداوند پاسخ میدهد : ای نوح پسر تو از کسان تو نیست زیرا دارای کرداری ناشایست میباشد^۳

بنابراین پاداش نیکو کسانی دارند که دارای ایمان و عمل صالح باشند و در تایید این عقیده در سوره صافات ، محسن و مؤمن یکی است :

هر کس از زن و مرد کار نیکو انجام دهد مؤمن است او را زندگی پاک و منزه می دهیم و جزای نیکی که اجر و پاداش او بهترین اجر جزیل باشد ، بجزیران عمل نیکوئی که نموده است باو عطا میکنیم^۴

دنباله دارد

۱- سوره رعد ۲۳-۲۴-۲۵ .

۲- سوره حج ۵۶-۲۲-۵۰-۲۴-۱۵ ، سوره مریم ۹۷-۱۹-۶۲ ، سوره طه ۸۵-۲۰-۷۸-۱۱۳ ،

سوره عصر ۱۰۲-۳۰۴ ، سوره لقمان ۸۳۱ ، سوره قصص ۸۱-۲۸-۶۸ .